



## نوروز

## در روایات اسلامی

مهدی مهریزی

دین جهانی، با آداب و سنن ملی چه رفتاری دارد؟ آیا آنها را کنار می‌نهد و خود به ساختن آداب و رسوم تازه می‌پردازد؟ یا آنها را تأیید می‌کند و در کنار خویش می‌نشاند؟ و یا از میان آنها گزینش می‌کند؟



نخست باید دانست که دین کامل، آن نیست که خود، همه چیز را برعهده گیرد و به جای همه استعدادهای آدمی و همه نهادهای مدنی بنشیند؛ بلکه دین کامل، دینی است که همه اینها را در جای خود، به درستی می‌بیند و جهتی کلی به آنها می‌دهد و آنچه را از توان «قوای فردی» و «نهادهای جمعی» خارج است، برعهده می‌گیرد... و این، فلسفه‌ای عمیق دارد؛ زیرا چنان که دین، فعل تشریحی خداوندی است، قوای آدمی و لوازم تابعه آن (مانند نهادهای جمعی) نیز فعل تکوینی الهی اند و هیچ‌گاه تکوین و تشریح، ناسازگاری ندارند؛ چرا که از مبدأ واحدی دستور می‌گیرند.

اگر با این پیش‌زمینه عقلی به منابع و مصادر دینی بنگریم، می‌یابیم که خواست دین، برچیدن بساط سنن ملی - قومی نیست؛ بلکه بر آن است که این سنت‌ها را سمت و سوی عالی بخشند و دین، تنها آنچه را که با فطرت آدمی مغایرت دارد، برمی‌چیند. چنان که قرآن کریم، حرمت و احترام ماه‌های حرام را - که رسمی جاهلی بود - پاس

داشت:

فإذا نسلخ الأشهر الحرم فقاتلوا المشركين.<sup>۱</sup>

پس چون ماه‌های حرام سپری شدند، مشرکان را بکشید.

يا أيها الذين آمنوا! لا تحلوا شعائر الله ولا الشهر الحرام.<sup>۲</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید! حرمت شعائر خدا و ماه حرام را نگه دارید.

رسول خدا فرموده است:

مَنْ سَنَّ سَنَةً حَسَنَةً عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ، كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَمِثْلُ أَجْرِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ سَنَّ سَنَةً سَيِّئَةً فَعَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ، كَانَ عَلَيْهِ وَزْرُهُ وَمِثْلُ أَوْزَارِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْئًا.<sup>۳</sup>

آن که سنتی نیک را پایه‌گذاری کند و بدان عمل شود، پاداش عمل خودش به اندازه پاداش دیگر عاملان، به وی داده می‌شود، بدون آن که از پاداش عاملان کم شود؛ و آن که سنتی بد را پایه‌گذارد و بدان عمل شود، وبال عمل خودش و دیگران برعهده اوست، بدون آن که از وزر و وبال دیگران کاسته شود.

امیرالمؤمنین به مالک اشتر فرمود:

وَلَا تَنْقُضْ سَنَةً صَالِحَةً عَمِلَ بِهَا صَدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ وَلَا تَحْدِثَنَّ سَنَةً تَضُرُّ بِشَيْءٍ مِنْ مَاضِي تِلْكَ السَّنَةِ فَيَكُونُ الْأَجْرُ لِمَنْ سَنَّهَا وَالْوِزْرُ عَلَيْكَ بِمَا نَقَضْتَ مِنْهَا.<sup>۴</sup>

آیین پسندیده‌ای را بر هم مریز که بزرگان این امت بدان رفتار نموده‌اند و به وسیله آن، مردم به هم پیوسته‌اند، و رعیت با یکدیگر سازش کرده‌اند؛ و آیینی مگذار که چیزی از سنت‌های نیک گذشته را زیان رساند تا پاداش از آن

۱. سوره توبه، آیه ۵.

۲. سوره مائده، آیه ۲.

۳. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۷۸.

۴. نهج البلاغة، تحقیق: صبحی صالح، ص ۴۳۱.



نهنده سنت باشد و گناه شکستن آن بر تو ماند.

از سوی دیگر، به نمونه‌هایی از سنت‌های پیش از اسلام (جاهلی و ...) برمی‌خوریم که مورد تأیید اسلام قرار گرفته‌اند:

- ۱) دیه در جاهلیت، صد شتر بود. پیامبر (ص) آن را امضا نمود.<sup>۵</sup>
- ۲) زنان حائض، در جاهلیت از شرکت در اعیاد مذهبی و مراسم قربانی ممنوع بودند و اسلام نیز آن را حفظ کرد.<sup>۶</sup>
- ۳) براء بن عازب، اوّل کسی بود که با آب، استنجا (تطهیر) کرد و سپس سنت شد.<sup>۷</sup>
- ۴) پیامبر (ص) در «حلف الفضول» در سن ۲۵ سالگی شرکت کرد و بعدها بدان افتخار می‌کرد و می‌فرمود: «اگر بار دیگر بدان پیمان دعوت شوم، می‌پذیرم».<sup>۸</sup>
- ۵) در حدیثی دیگر، هفت دور بودن طواف خانه کعبه، حرام بودن زن پدر بر فرزند، و خمس گنج نیز از سنت‌های عبدالمطلب در جاهلیت شمرده شده، که پیامبر (ص) آنها را امضا نموده است.<sup>۹</sup>
- ۶) حرمت ماه‌های حرام نیز از سنت‌های جاهلی بود که در اسلام، امضا شد.<sup>۱۰</sup>
- ۷) براء بن معرور، قبل از هجرت پیامبر (ص) در مکه می‌زیست. هنگام مرگ، سفارش کرد که او را به طرف مکه دفن کنند و نسبت به یک سوم اموال خود، وصیت کرد. این هر دو، بعد از آن، جزو سنن قرار گرفت.<sup>۱۱</sup>
- ۸) تحریم لباس شهرت در فقه، شاهی دیگر بر پذیرش سنت‌های ملی صالح



۵. وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۱۴۲.

۶. دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۸، ص ۱۶۵.

۷. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۱۶؛ المیزان، ج ۲، ص ۲۱۶.

۸. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۷۲.

۹. وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۱۴۵؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۶۴.

۱۰. آیاتی که گذشت.

۱۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۵۴.



است. ۱۲. روشن است که لباس شهرت در هر جامعه‌ای با آداب و رسوم همان جامعه مشخص می‌گردد.

۹) ارجاع مسائلی چند به عرف، گواه دیگری بر این موضوع است: مقدار نفقه،<sup>۱۳</sup> استطاعت در حج<sup>۱۴</sup> و زکات<sup>۱۵</sup> و ...

این شواهد، گواهی می‌دهند که آیین اسلام، بر محور همه سنت‌ها توصیه نمی‌کند؛ بلکه آنچه را که خیر و صلاحی در پی دارد، و یا این که مفسده‌ای به دنبال ندارد، می‌پذیرد و جز آن را طرد می‌کند که می‌توان از این نمونه‌ها نام برد:

۱) سنتی که نشانگر یک آیین باطل باشد. حرمت حمل و ساخت و نگهداری صلیب، از این قبیل است. ۱۶ رسول خدا وقتی عدی بن حاتم را دید که صلیب به گردن دارد، فرمود: «این بت را کنار بگذار».<sup>۱۷</sup>

۲) سنتی که ترویج خرافه باشد. حلیمه سعديه، وقتی در کودکی پیامبر(ص)، خواست مهره‌ای به بازوی رسول خدا ببندد، با اعتراض پیامبر(ص) رو به رو شد. رسول خدا فرمود: «خداوند، نگهدار ماست و از این مهره، کاری ساخته نیست».<sup>۱۸</sup>

۳) سنتی که با احکام شرع ناسازگار باشد. پیامبر(ص) با زینب، همسر زید (پسر خوانده خود) ازدواج کرد تا نشان دهد این سنت جاهلی که: «نمی‌توان با زنِ پسر خوانده ازدواج کرد»، غلط است.<sup>۱۹</sup>

حال که نظرگاه کلی دین در باب آداب و سنن بومی و ملی روشن شد، به یکی از

۱۲. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۱.

۱۳. جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۵۹.

۱۴. نظریة العرف، ص ۹۶.

۱۵. شرح اللمعة، ج ۱، ص ۳۰۸.

۱۶. تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۴۹۶.

۱۷. بحارالانوار، ج ۹، ص ۹۸.

۱۸. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۳.

۱۹. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۴.





رسم های کهن و ریشه دار ایرانی، یعنی نوروز، می نگریم.

اگر در باب نوروز، دستوری خاص از سوی دین در تأیید یارد، به دست ما نمی رسید، بر اساس همان قاعده نخست می گفتیم نوروز به عنوان رسمی ایرانی که مردمانی آن را از دیرباز حرمت می نهاده اند، جای مذمت و منع ندارد؛ چرا که اصل «نوروز» به عنوان نشانی از آیین های باطل، مورد تکریم و احترام نیست؛ بلکه رنگ و بوی ملی و بومی آن، منظور نظر مردمان است. بلی؛ اگر در آن، ناشایستی نهفته باشد، یا ترویج خرافه ای صورت گیرد، باید آن را وانهاد.

لیک، احادیثی در مصادر شیعه و اهل سنت روایت شده اند که برخی بر آن، مهر تأیید می زنند و برخی دیگر، قهر می ورزند و با آن می ستیزند. این دوگانگی روایت ها سبب شده است که از دیرباز، عالمان حوزه دین، به چگونگی حل این تعارض بیندیشند؛ برخی جانب تأیید را گرفته، از آن دفاع کنند و برخی دیگر، جانب رد را اختیار نمایند.



رسالت این نوشتار، نخست، گزارش تلاش عالمان در برخورد با این روایت هاست و در پس آن می کوشد از منظر دیگری بدان بنگرد. شاید ثمر بخشد!

پیش از طرح دیدگاه ها سزاوار است روایت ها نقل شوند. بر این اساس، مباحث این نوشتار، در سه بخش تنظیم می گردد: نوروز در روایات، دیدگاه ها، و ارزیابی نهایی.

پرتال جامع علوم انسانی

### یک. نوروز در روایات

چنان که گذشت، روایت ها در زمینه نوروز، به دو گروه تقسیم می شوند: گروهی به تصریح یا اشاره، آن را تأیید کرده اند و گروهی دیگر، آن را مذمت می کنند.

#### ۱) روایات موافق

الف. احادیث شیعه

۱. کلینی (م ۳۲۹ق) در «الکافی» چنین روایت می کند:



عدهٔ من اصحابنا، عن سهل بن زیاد و أحمد بن محمد جميعاً، عن ابن محبوب، عن ابراهيم الكرخي، قال: سألتُ أبا عبد الله (ع) عن الرجل تكون له ضيعة، فإذا كان يوم المهرجَان أو النيروز، اهدوا اليه الشيء ليس هو عليهم، يتقربون بذلك اليه. فقال (ع): «اليس هم مُصلِّين؟». قلتُ: بلى. قال: فليقبل هديتهم وليُكافهم؛ فإنَّ رسول الله (ص) قال: «لو اهدى الى كراع لقبلتُ، و كان ذلك من الدين، ولو انَّ كافراً أو منافقاً اهدى الى وسقاً ما قبلت، و كان ذلك من الدين. ابي الله - عزَّ وجلَّ - لى زيد المشركين والمنافقين وطعامهم».<sup>۲۰</sup>

ابراهيم كرخي مى گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم كه: شخصی مزرعه‌ای دارد. روز مهرگان یا نوروز، هدایایی به او داده مى شود و قصد تقرب جستن به وی را ندارند [آیا بپذیرد؟]. فرمود: آیا نمازگزار هستند؟ گفتم: آری. فرمود: باید هدیه آنان را بپذیرد و تلافی کند. به درستی كه رسول خدا فرمود: اگر برایم ران بزی هدیه آورند، مى پذیرم و این، جزو دینداری است و اگر كافر یا منافق ران گاو یا گوسفندی برایم هدیه آورد، نخواهم پذیرفت و این هم جزو دینداری است. خداوند، خوراك و دستاورد مشرك و منافق را برای ما روا نداشته است.

۲. شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در «كتاب من لا يحضره الفقيه» آورده است:

أتى على (ع) بهدية النيروز، فقال (ع): «ما هذا؟». قالوا: يا امير المؤمنين! اليوم النيروز. فقال (ع): «اصنعوا لنا كل يوم نيروزاً».<sup>۲۱</sup>  
برای علی (ع) هدیه نوروز آوردند. فرمود: «این چیست؟». گفتند: ای امیرمؤمنان! امروز، نوروز است. فرمود: هر روز ما را نوروز سازید!

۲۰. الكافي، ج ۵، ص ۱۴۱؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۰۰؛ تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۳۷۸؛ وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۲۱۵.  
۲۱. كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۰۰؛ وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۲۱۳.





۳. همو نقل می کند:

روی آنه قال (ع): نیروز نا کل یوم. ۲۲

روایت شده است که علی (ع) فرمود: هر روز ما نوروز است.

۴. نعمان بن محمد تمیمی (م ۳۶۳ق) در کتاب «دعائم الاسلام» روایت می کند:

عنه [علی] (ع) أنه أهدى اليه فالوذج، فقال: «ما هذا؟». قالوا: يوم نیروز.

قال: فنيرزوا إن قدرتم كل يوم [يعني تهادوا و تواصلوا في الله].

برای علی (ع) فالوده هدیه آوردند. فرمود: «این چیست؟». گفتند امروز،

نوروز است. فرمود: اگر می توانید، هر روز را نوروز سازید [یعنی به خاطر

خداوند، به یکدیگر هدیه بدهید و به دیدار یکدیگر بروید]. ۲۳

۵. شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در «مصباح المتهجد» چنین آورده است:

عن المعلی بن خنیس، عن مولانا الصادق (ع) فی يوم نیروز، قال (ع): إذا

كان يوم نیروز، فاغتسل و البس انظف ثيابك و تطيب باطيب طيبك و تكون

ذلك اليوم صائماً، فإذا صليت النوافل والظهر والعصر فصل بعد ذلك أربع

ركعات، تقرأ فی أول كل ركعة فاتحة الكتاب و عشر مرات «إنا أنزلناه فی ليلة

القدر»، و فی الثانية فاتحة الكتاب و عشر مرات «قل يا أيها الكافرون»، و فی

الثالثة فاتحة الكتاب و عشر مرات «قل هو الله أحد»، و فی الرابعة فاتحة

الكتاب و عشر مرات «المعوذتين»، و تسجد بعد فراغك من الركعات سجدة

الشكر و تدعو فيها، يغفر لك ذنوب خمسين سنة. ۲۴

امام صادق (ع) در روز نوروز فرمود: هنگامی که نوز شد، غسل کن و لباس

پاکیزه بپوش و خودت را خوشبو ساز و آن روز را روزه بدار. پس هنگامی که

نماز ظهر و و عصر و نافله های آن را به جای آوردی، نمازی چهار رکعتی

۲۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۱۳.

۲۳. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۲۶.

۲۴. مصباح المتهجد، ص ۵۹۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۲۸ و ج ۵، ص ۲۸۸ و ج ۷، ص ۳۴۶.





بگزار که در رکعت اول آن، سوره حمد و ده مرتبه سوره قدر را می خوانی. در رکعت دوم آن، سوره حمد و ده مرتبه سوره کافرون را می خوانی. در رکعت سوم آن، سوره حمد و ده مرتبه سوره توحید را می خوانی و در رکعت چهارم، سوره حمد را با سوره های فلق و ناس. پس از نماز هم سجده شکر می گزاری و دعا می کنی. [بدین ترتیب،] گناهان پنجاه ساله ات بخشوده می شود.

۶. ابن فهد حلی (م ۸۴۱ق) در کتاب «المهذب البارع» چنین آورده است:

و ما ورد فی فضله و یعضد ما قلناه، ما حدثنی به المولی السید المرتضی العلامه بهاء الدین علی بن عبد الحمید النسابة - دامت فضائله -، ما رواه یاسناده إلى المعلی بن خنیس عن الصادق (ع): إن یوم النوروز، هو الیوم الذی أخذ فیہ النبى (ص) لأمیر المؤمنین (ع) العهد بغدیر خم، فاقروا له بالولاية، فطوبى لمن ثبت علیها والویل لمن نکثها، وهو الیوم الذی وجّه فیہ رسول الله (ص) علیاً (ع) إلى وادی الجن، فاخذ علیهم العهود والمواثیق. وهو الیوم الذی ظفر فیہ باهل النهروان، و قتل ذالقدیة. وهو الیوم الذی یظهر فیہ قائمنا اهل البیت و ولایة الامر و یظفره الله تعالی بالدجال، فیصلبه علی کناسة الکوفة. و ما من یوم نوروز إلا و نحن نتوقع فیہ الفرج؛ لانه من ایامنا حفظه الفرس و ضیعتموه. ثم إن نبیاً من انبیاء بنی اسرائیل سال ربّه ان یحیی القوم الذین خرجوا من ديارهم و هم ألو ف حذر الموت فاماتهم الله تعالی، فاحی الیه ان «صَبَّ علیهم الماء فی مضاجعهم»، فصَبَّ علیهم الماء فی هذا الیوم، فعاشوا و هم ثلاثون الفاً، فصار صب الماء فی یوم النیروز سنّة ماضیة لا یعرف سببها إلا الراسخون فی العلم. و هم أوک یوم من سنة الفرس.

قال المعلی: و أملى علیّ ذلك، فکتبته من إملائه. ۲۵

از آنچه در فضیلت نوروز روایت شده و گفته ما را تأیید می کند، حدیثی است





که علامه سید بهاء‌الدین علی با سند خود از مُعلی بن خُنس نقل کرده است که: روز نوروز، همان روز است که پیامبر (ص) در غدیر خم برای امیرالمؤمنین (ع) بیعت گرفت و مسلمانان به ولایت وی اقرار کردند. خوشا به حال آنان که به این بیعت، استوار ماندند و وای بر آنان که آن را شکستند. و این، همان روزی است که پیامبر (ص) علی (ع) را به منطقه جَنیان روانه ساخت و از آنان عهد و پیمان گرفت. و همان روز است که علی (ع) بر نهر وانیان پیروز شد و ذوالشویه (صاحب پستان) را به قتل رساند. و همان روز است که قائم ما و صاحبان حکومت، ظهور می‌کنند و خداوند، او را بر دجال پیروز می‌گرداند و دجال را در زباله دان کوفه به دار می‌آویزد. ما در هر نوروز، امید فرج داریم؛ چرا که نوروز، از ایام ماست که پارسیان آن را پاس داشتند و شما آن را تباه نمودید.

همچنین پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل، از خداوند خداست که گروهی چند هزار نفره را که از بیم مرگ، دیار خویش را ترک گفتند و گرفتار مرگ شدند، زنده سازد. خداوند، بر آن پیامبر، وحی فرستاد که بر محل گورستان آنان آب پاشد. پیامبر در روز نوروز، چنین کرد. سپس زنده شدند و تعدادشان سی هزار نفر بود. از همین روز، پاشیدن آب در نوروز، سنتی دیرینه شد که سبب آن را جز آنان که دانشی پایدار دارند، ندانند و همان، آغاز سال پارسیان است.

معلی گوید: امام صادق (ع) این سخنان را بر من املا کرد و من نوشتم.

۷. علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) در «بحار الانوار» آورده است:

رایت فی بعض الكتب المعتبرة، روی فضل الله بن علی بن عبید الله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن محمد بن عبید الله بن الحسین بن علی بن محمد بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب، عن ابی عبدالله جعفر بن محمد بن أحمد بن العباس الدوریستی، عن ابی محمد جعفر بن

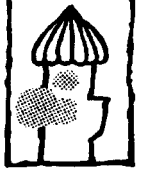




أحمد بن علي المونسي القمي، عن علي بن بلال، عن أحمد بن محمد بن يوسف، عن حبيب الخير، عن محمد بن الحسين الصائغ، عن أبيه، عن معلّى بن خنيس، قال: دخلت على الصادق جعفر بن محمد (ع) يوم النيروز، فقال (ع): «أتعرف هذا اليوم؟». قلت: جعلت فداك، هذا يوم تعظمه العجم وتهادى فيه. فقال أبو عبد الله الصادق (ع): «والبيت العتيق الذي بمكة، ما هذا إلا لامر قديم أفسره لك حتى تفهمه». قلت: يا سيدي! إن علم هذا من عندك أحب إليّ من أن يعيش أمواتي وتموت أعدائي. فقال: «يا معلّى! إن يوم النيروز هو اليوم الذي أخذ الله فيه موثيق العباد أن يعبدوه ولا يشركوا به شيئاً، وأن يؤمنوا برسله وحججه، وأن يؤمنوا بالائمة (ع). وهو أول يوم طلعت فيه الشمس، وهبت به الرياح، وخلقت فيه زهرة الأرض. وهو اليوم الذي استوت فيه سفينة نوح (ع) على الجودي. وهو اليوم الذي أحيى الله فيه الذين خرجوا من ديارهم وهم ألوف حذر الموت، فقال لهم الله موتوا ثم أحياهم. وهو اليوم الذي نزل فيه جبرئيل على النبي (ص). وهو اليوم الذي حمل فيه رسول الله (ص) أمير المؤمنين (ع) على منكبه حتى رمى أصنام قريش من فوق البيت الحرام فهشمها، وكذلك إبراهيم (ع). وهو اليوم الذي أمر النبي (ص) أصحابه أن يبايعوا علياً (ع) بإمرة المؤمنين. وهو اليوم الذي وجه النبي (ص) علياً (ع) إلى وادي الجن يأخذ عليهم البيعة له. وهو اليوم الذي يبيع لامير المؤمنين (ع) فيه البيعة الثانية. وهو اليوم الذي ظفر فيه بأهل النهروان وقتل ذا الثدية. وهو اليوم الذي يظهر فيه قائمنا وولاية الأمر. وهو اليوم الذي يظفر فيه قائمنا بالدجال فيصلبه على كناسة الكوفة. وما من يوم نيروز إلا ونحن نتوقع فيه الفرج؛ لأنه من إيماننا وأيام شيعتنا، حفظته العجم وضيعتموه أنتم.



وقال (ع): «إن نبياً من الانبياء سأل ربه كيف يحيي هؤلاء القوم الذين خرجوا، فأوحى الله إليه أن يصب الماء عليهم في مضاجعهم في هذا اليوم، وهو أول



یوم من سنة الفرس، فعاشوا وهم ثلاثون ألفاً، فصار صب الماء في النيروز سنة.

فقلت: يا سيدي! ألا تعرفني - جعلت فداك - أسماء الأيام بالفارسية؟ فقال (ع): «يا معلی! هي أيام قديمة من الشهور القديمة، كل شهر ثلاثون يوماً لا زيادة فيه ولا نقصان...»<sup>۲۶</sup>

مُعلی پسر خُنس گوید: در روز نوروز، بر امام صادق (ع) وارد شدم. فرمود: «آیا این روز را می شناسی؟». گفتم: قربانت گردم! این روز را فارسیان گرامی می دارند و به یکدیگر هدیه می دهند. فرمود: «سوگند به خانه کعبه که این، رمزی دیرینه دارد و برایت روشن می سازم تا آگاه گردی». گفتم: سرورم! آموختن این امر از شما برایم بهتر از آن است که مردگان زنده شوند و دشمنانم بمیرند.

آن گاه فرمود: «ای معلی! روز نوروز، همان روز است که خداوند از بندگان پیمان گرفت او را پرستند و به او شرك نوزند، به پیامبران و حجت هایش بگروند و به امامان ایمان آورند. این همان روز است که خورشید طلوع کرد، بادها وزیدن گرفت و گل های زمین رویدند. این همان روزی است که کشتی نوح (ع) بر ساحل جودی آرامش یافت و همان روزی است که خداوند، گروهی چند هزار نفره را که از ترس مرگ از خانه ها بیرون رفته بودند زنده ساخت، پس از آن که آنان را میرانده بود. این، روز فرود جبرئیل را بر پیامبر اسلام است و روزی است که پیامبر (ص) امام علی (ع) بر دوش گرفت تا بت های قریش را در مسجد الحرام شکست و در همین روز، ابراهیم، بت ها را شکست. این همان روزی است که پیامبر به یارانش دستور داد با علی (ع) بیعت کنند و در همین روز، علی را برای بیعت گرفتن از جنیان فرستاد. در همین روز، دومین بیعت با امیرالمؤمنین انجام شد. در همین روز بر





نهر وانیان پیروز شد و ذوالشذیه (صاحب پستان) را به قتل رساند. در این روز، قائم ما و صاحبان حکومت قیام کنند و در همین روز، قائم ما بر دجال پیروز گردد و او را در زیاله دان کوفه به دار آویزد. در هر روز نوروزی، ما آرزوی فرج داریم؛ چرا که آن از روزهای ما و شیعیان ماست. فارسیان، آن را گرامی داشتند و شما آن را ضایع کردید.

و فرمود: یکی از پیامبران بنی اسرائیل از خداوند پرسید چگونه مردمانی را که خارج شدند، زنده می کند. خداوند بدو وحی کرد که در نوروز، آب بر قبر آنان پاشد و آن، اولین روز سال فارسیان است و آنها زنده شدند، در حالی که سی هزار نفر بودند. از همین جا پاشیدن آب در نوروز، سنت شده است. گفتم: آیا نام های روزهای فارسی را به من تعلیم نمی دهی؟ فرمود: ای معلمی! اینها روزهایی کهن از ماه هایی کهن است. هر ماه، سی روز است، بدون کم و کاست ...



گفتنی است ابن فهد نیز بخشی از این روایت را پیش از علامه مجلسی در کتاب

«المهذب البارع» آورده است. ۲۷

۸. محدث نوری (م ۱۳۲۰ق) در «مستدرک الوسائل» به نقل از کتاب حسین بن

همدان آورده است:

عن المفضل بن عمر، عن الصادق (ع)، قال له فی خبر طویل فی جملة كلامه (ع): ... فإوحى الله اليه: «يا حزقيل! هذا يوم شريف عظيم قدره عندى، وقد آليت أن لا يسألني مؤمن فيه حاجة الا قضيتها في هذا اليوم و هو يوم نیروز». ۲۸

مفضل، فرزند عمر از امام صادق (ع) نقل می کند که: ... خداوند بر حزقیل وحی فرستاد که: «این روز، روزی گرامی و بلند مرتبه نزد من است. با خود

۲۷. المهذب البارع، ج ۲، ص ۱۹۵-۱۹۶.

۲۸. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۷۱؛ (چاپ سنگی) ج ۶، ص ۳۵۴ (چاپ آل البيت).



عهد کرده ام هر مؤمنی در این روز از من حاجتی بخواهد آن را برآورده سازم  
و آن روز، نوروز است».

### ب. احادیث اهل سنت

۹. بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق) در «التاریخ الكبير» چنین روایت می کند:

حمّاد بن سلمة بن علی بن زید، عن السعر التمیمی: أتى علیؑ بفالوذج.  
قال: «ما هذا؟». قالوا: اليوم النيروز. قال: فنیروزا كل يوم<sup>۲۹</sup>!  
سعر تمیمی گوید: برای علی(ع) فالوده آوردند. فرمود: «این چیست؟».  
گفتند: امروز نوروز است. فرمود: هر روز را نوروز کنید!

۱۰. ابن ندیم (م ۳۸۵ق) در «الفهرست» آورده است:

قال اسماعیل بن حمّاد بن ابی حنیفة: أنا اسماعیل بن حمّاد بن ابی حنیفة بن  
النعمان بن المرزبان، من أبناء فارس الاحرار. واللّه ما وقع علينا رق قط. ولد  
جدی سنة ثمانین، و ذهب ابی الی علی بن ابی طالب -رضی اللّٰه عنه- و هو  
صغیر، فدعاه بالبرکة فیه و فی ذریته، و نحن نرجو من اللّٰه أن یکون قد  
استجاب لعلی.

قال: والنعمان بن المرزبان هو الذی اهدی الی علی بن ابی طالب الفالوذج فی  
یوم النيروز، فقال علی: «نوروزنا كل يوم!» و قیل: كان یوم المهرجان،  
فقال: «مهرجوناً كل يوم!» و هذا هو الصحیح فی نسبه.<sup>۳۰</sup>

اسماعیل بن حمّاد، گوید: من فرزند حمّاد، پسر ابو حنیفه، پسر نعمان بن  
مرزبان هستم از ایرانیان آزاده. هیچ گاه در میان ما بردگی نبود. پدرم در  
سال هشتاد قمری به دنیا آمد. جدّم نزد علی بن ابی طالب رفت و فرزند  
خردسالش را به همراه داشت. علی(ع) برای او و فرزندانش دعا کرد و ما

۲۹. التاریخ الكبير، البخاری، ج ۱، ص ۴۱۴.

۳۰. الفهرست، ص ۲۵۵؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۲۵-۳۲۶.





امیدواریم دعای او در حقّ ما به اجابت رسد.

نعمان بن مرزبان، کسی است که در روز نوروز برای علی (ع) فالوده برد.

علی (ع) فرمود: «هر روز را نوروز سازید!». برخی گفته اند روز مهرگان بود

و علی (ع) فرمود: هر روز را مهرگان کنید!

۱۱. بیرونی (م ۴۴۰ق) در «الآثار الباقية» آورده است:

... و قسم الجام بین اصحابه و قال: لیت لنا کلّ یوم نوروزاً<sup>۳۱</sup>

[از آن جا که نسخه عربی مورد استفاده ما افتادگی دارد، ترجمه حدیث را از

جدیدترین کتاب که بر اساس برخی نسخه ها کامل شده است، در این جا می آوریم:]

آورده اند که در نوروز، جامی سیمین، پر از حلوا، برای پیغمبر (ص) هدیه

آوردند. آن حضرت پرسید: «این چیست؟». گفتند: امروز، روز نوروز

است. پرسید: «نوروز چیست؟». گفتند: عید بزرگ ایرانیان است. فرمود:

«آری در این روز بود که خداوند، عسکره را زنده کرد». پرسیدند: عسکره

چیست؟ فرمود: «عسکره، هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ، ترک دیار

کرده، سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان فرمود: «بمیرید» پس مردند.

پس آنان را زنده کرد و ابرها را امر فرمود که بر آنان بیارند. از این روست که

سنت آب پاشیدن [در نوروز]، رواج یافته است. آن گاه از حلوا تناول کرد و

جام را میان اصحاب قسمت کرد و فرمود: کاش هر روز برای ما نوروز

بود!\*

۱۲. فیروز آبادی (۷۲۹-۸۱۷ق) در «القاموس» آورده است:

قدم الی علی شیء من الحلاوی، فسأل عنه، فقالوا: «للنیروز»، فقال:

«نیروزنا کل یوم!» و فی المهرجان قال: مَهْرَجُونَا کل یوم!<sup>۳۲</sup>

۳۱. الآثار الباقية، بغداد: مكتبة المثنی، ص ۲۳۰.

۳۲. القاموس، ج ۲، ص ۲۷۹ (دار احیاء التراث العربی).

\* آثار الباقیه، ترجمه: اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۳۲۵.





مقداری حلوا برای علی (ع) آوردند. پرسید که چیست. گفتند: برای نوروز است. فرمود: هر روز ما نوروز است.

و در مهرگان گفت: هر روز را برای ما مهرگان کنید!

## ۲. روایات مخالف

### الف. احادیث شیعه

۱۳. قطب الدین راوندی (م ۵۷۳) در کتاب «لبّ اللباب» آورده است:

عن رسول الله (ص): «أبدلكم بيومين يومين: بيوم النيروز والمهرجان، الفطر والأضحى». ۳۳

دو روز را برای شما جانشین دو روز کردم: عید فطر و قربان را به جای عید نوروز و مهرگان.

۱۴. ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) در کتاب «المناقب» روایت می کند:

وحكي أن المنصور تقدّم إلى موسى بن جعفر (ع) بالجلوس للتهنئة في يوم النيروز وقبض ما يحمل إليه فقال (ع): «إني قد فتشت الأخبار عن جدي رسول الله - صلى الله عليه وآله - فلم أجد لهذا العيد خبراً وإنه سنة للفرس ومحآها الإسلام، ومعاذ الله أن نحیی ما محآه الإسلام». فقال المنصور: «إنما نفعل هذا سياسةً للجنّد، فسألتك بالله العظيم إلا جلست؛ فجلس و دخلت عليه الملوك والأمراء والأجناد يهنؤونه، ويحملون إليه الهدايا والتحف، وعلى رأسه خادم المنصور يحصي ما يحمل، فدخل في آخر الناس رجل شيخ كبير السن، فقال له: يا ابن بنت رسول الله! إنني رجل صعولك لا مال لي أتحنفك ولكن أتحنفك بثلاثة آيات قالها جدي في جدك الحسين بن علي (ع):





عجبت لمصقول علاك فرنده      يوم الهياج وقد علاك غبار  
ولاسهم نفذتک دون حرائر      يدعون جدك والدموع غزار  
الآ تغضغضت السهام وعاقها      عن جسمك الإجلال والإكبار

قال: «قبلت هديتك، اجلس بارك الله فيك»، ورفع رأسه إلى الخادم وقال: «امض إلى أمير المؤمنين وعرّفه بهذا المال، وما يصنع به». فمضى الخادم وعاد وهو يقول: «كلها هبة مني له، يفعل به ما أراد». فقال موسى للشيخ: اقض جميع هذا المال فهو هبة مني لك. <sup>۳۴</sup>

آورده اند که منصور به امام کاظم (ع) پیشنهاد کرد که نوروز را برای تبریک و شاد باش و گرفتن هدایا جلوس کنند.

حضرت کاظم در جواب فرمود: من در میان روایت های جدّم رسول خدا (ص) جستجو کردم و تأییدی برای این عید نیافتم. همانا این سنت فارسیان است که اسلام، آن را نابود ساخته است و پناه می برم به خدا که آنچه را اسلام نابود ساخته، زنده بدارم.

منصور گفت: «این کار را جهت اداره نظامیان انجام می دهیم و شما را به خداوند سوگند می دهیم که جلوس داشته باشید». آن گاه حضرت پذیرفت و فرمانروایان و لشکریان، برای تبریک آمدند و هدایایی با خود آوردند. خدمتگزار منصور، بالای سر حضرت ایستاده بود و هدایا را می شمرد. آخرین نفر، مردی کهن سال بود. به امام کاظم (ع) گفت: ای فرزند دختر پیامبر خدا! من مردی تهی دستم و مالی ندارم تا هدیه دهیم؛ ولی چند بیت شعر که جدّ من درباره جدّتان حسین (ع) سروده، به شما هدیه می کنم...»  
حضرت فرمود: «هدیه ات را پذیرفتم. بنشین. خداوند به تو برکت دهد!».

۳۴. المناقب، ج ۴، ص ۳۱۹، ج ۳، ص ۴۳۳؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۸-۱۰۹ و ج ۹۵،







آن گاه حضرت، سر بلند کرد و به خدمتگزار منصور گفت که نزد منصور روانه شود و این هدایا را برایش بازگو کند. خدمتگزار رفت و بازگشت و گفت منصور گفته است: «این هدایا از آن شماس است. هر چه می خواهید با آنها انجام دهید». امام کاظم (ع) هم به پیرمرد فرمود: «این اموال را به عنوان هدیه برای خودت بردار».

### ب. احادیث اهل سنت

۱۵. بخاری (م ۲۵۶ق) در «التاریخ الکبیر» آورده است:

ایوب بن دینار، عن ابيه: «إِنَّ عَلِيًّا لَا يَقْبَلُ هَدِيَّةَ النَّيْرُوزِ». حدیثی ابراهیم بن موسی عن حفص بن غیاث، وقال ابو نعیم: حدثنا ایوب بن دینار ابو سلیمان المکتب، سمع علیاً بهذا.<sup>۳۵</sup>

ایوب بن دینار گوید: علی (ع) هدیه نوروز را نمی پذیرفت.

۱۶. آلوسی (م ۱۳۴۲ق) در «بلوغ الارب» می گوید:

قدم النبي (ص) المدينة ولهم يومان يلعبون فيهما، فقال: «ما هذا اليومان؟». فقالوا: كنا نلعب فيهما في الجاهلية. فقال: قد أبدلكم الله تعالى بهما خيراً منهما يوم الاضحى ويوم الفطر». قيل: هما النيروز والمهرجان.<sup>۳۶</sup>

پیامبر (ص) وارد مدینه شد. مردمان مدینه دو عید داشتند که در آنها به سرگرمی و خوشی می پرداختند. رسول خدا فرمود: «این دو روز چیست؟». گفتند دو یادگار جاهلیت است. فرمود: «خداوند، بهتر از آنها را جایگزین کرده است: عید قربان و عید فطر». گفته شده که آن دو روز، نوروز و مهرگان بود.

\*

۳۵. التاریخ الکبیر، ج ۴، ص ۲۰۱.

۳۶. بلوغ الارب، ج ۱، ص ۳۶۴.





تا این جا شانزده حدیث از مصادر مختلف شیعه و سنی در تأیید یا ردّ نوروز گرد آمد. تلاش ما در این بخش، فحص کامل و استقصای همه روایت ها بود و تلاش شد روایت ها براساس تاریخ ثبت و کتابت تنظیم گردد؛ چنان که کوشیدیم هر روایت را مصدربابی کرده، به منابع گوناگونش ارجاع دهیم. حال، پس از نقل روایت ها به بیان دیدگاه ها و ارزیابی نهایی رومی کنیم.

### دو. دیدگاه ها

تردیدی نیست که روایت های متفاوت، زمینه شکل گیری آرای متفاوت اند و جستجو در کتب فقه و حدیث، این امر را روشن می سازد.

پاره ای از دانشوران، به نقد روایت های نوروز پرداخته و با ذکر خلل ها و سستی هایی که در آنهاست، آنها را قابل اعتنا و اتکا نشمرده اند؛ چنان که در مقابل، بیشتر فقیهان به مضمون روایت های دسته نخست فتوا داده و آدابی را برای نوروز در کتب فقهی خویش برشمرده اند. اینان ضمن فتوا دادن به محتوای روایات، در مقام پاسخگویی به ناقدان و منتقدان نیز برآمده اند.

اینک مروری بر این دو دیدگاه می افکنیم.

### الف. مخالفان

ناقدان و مخالفان احادیث نوروز، بسیار نیستند. اینان کوشیده اند خلل های موجود در روایت های دسته نخست را برملا سازند و در نتیجه به محتوای دسته دوم از روایت ها ملتزم شده اند؛ گرچه کوشش آنان در تصحیح و تأیید دسته دوم متمرکز نیست.

اینان برای روایت های موافق، ضعف ها و کاستی هایی از این دست برشمرده اند:

۱- ضعف سند،

۲- تناقض و تهافت در روایت های معلی،

۳- ذکر نشدن روایت های معلی در مصادر کهن،





۴- عدم تطبیق وقایع ذکر شده در روایت‌ها با واقعیت‌های تاریخی،

۵- معلوم نبودن نوروز ایرانی،

۶- ترویج شعائر مجوس.

مخالفان، بر پایه این ایرادها، روایات موافق را بی اعتبار می دانند و به هیچ رو گرامیداشت نوروز را روانمی انگارند. اینان بر این باورند که آداب و سنن ذکر شده در این روایت‌ها قابل اخذ و عمل نیست و نمی توان با قاعده «تسامح در ادله سنن» از ضعف و سستی اینها چشم پوشید؛ چرا که با محذور بزرگی چون ترویج شعائر مجوسی روبه رور هستیم. در این جا پاره‌ای از این دیدگاه‌ها را می آوریم:

آقا رضی قزوینی (در رساله‌ای که در سال ۱۰۶۲ قمری نگاشته)، شاید نخستین کسی باشد که به تفصیل، نوروز را نقد کرد. وی به طور عمده منکر تطبیق نوروز رایج با نوروز یاد شده در روایات است و از این طریق بر روایت‌های مؤید، خرده می گیرد و پس از نقل روایت معلی می نویسد:



با توجه به استحباب اعمال مذکوره در نوروز و این که این اعمال، موقته است و در امثال این عبادات، اگر التزام وقت خاص نشود و در اوقات دیگر به عمل آید، بدعت می باشد، بنابراین، تعبد به این عمل [را] مکلفی تواند که لااقل ظن به تعیین وقت مذکور تحصیل کرده باشد. تحصیل این ظن، لامحاله از امارات شرعیه و عرفیه تواند بود و چون در عرف به اعتبار اختلاف اصطلاحات حالیه نوروز متعدد است - چنان که بعضی از آن، بعد از این مذکور می گردد - و ا شهریت بعضی به بعضی از منته اماره نمی شود و در ظاهر قرآن چیزی در این باب نیست، اماره آن از روایات و اخبار تتبع باید نمود.<sup>۳۷</sup>

محمد اسماعیل خواجه‌بوی (م ۱۱۷۳ق) تناقض‌های روایت‌های معلی را دلیل

ناتمام بودن آن می داند و می نویسد:

فقیر بی بضاعت گوید: به حسب ظاهری میان این حدیث و حدیث سابق



تناقض است؛ چه، در حدیث سابق مذکور است که پیغمبر (ص) در روز نورو، امیر المؤمنین (ع) را به دوش مبارک برداشته تا بتان قریش را از فوق کعبه به زیر انداخته، شکست و فانی ساخت، و این، بلاشبهه در سال فتح مکه معظمه بود، چنان که اخبار بسیار از طرق خاصه و عامه دلالت بر این دارد... و فتح مکه معظمه در ماه مبارک رمضان سال هشتم هجرت واقع شد، چنان که شیخ مفید و نیز طبرسی و این شهر آشوب و دیگرانی روایت کرده اند، و احادیث معتبره بر این دلالت کرده است، و اکثر بر آن اند که در روز سیزدهم ماه بوده، و بعضی بیستم هم گفته اند، و حرکت حضرت از مدینه در روز جمعه دوم ماه مبارک رمضان، بعد از نماز عصر بوده، و روز غدیر خم در سال دهم هجرت در حجة الوداع در روز هجدهم ذی الحجة الحرام بود. پس چگونه تواند بود که هر دو در روز، نورو باشد؟ چه، نورو، از قرار حساب گذشته، بعد از شش هفت سال از فتح مکه معظمه، بلکه بیشتر، به ذی الحجة خواهد رسید، نه بعد از یک سال، چنان که مقتضای این دو حدیث است.<sup>۳۸</sup>

وی ادامه می دهد:

و چون هر دو به یک طریق از معلی منقول است، ... پس ترجیح احدهما بر دیگری من حیث السند متصور نیست، و بنابراین، مضمون هیچ یک حجت نخواهد بود، و بر آن، اعتماد نشاید کرد، و به او استدلال نتوان نمود؛ چه، تناقض در کلام معصومین (ع) غیر واقع است. پس، از این جا فهمیده می شود که این دو حدیث، کلاهما او احدهما از معصوم تلقی نگردیده، و چون از او نباشد، حجیت را نشاید و سند شرعی نتواند بود.<sup>۳۹</sup>

استاد محمد تقی مصباح در حاشیه بر «بحار الأنوار»، ذیل این روایت ها نگاشته است:

۳۸. همان، ص ۲۱۸.

۳۹. همان جا.



در باب نوروز، دو دسته روایت مختلف روایت شده است. یکی را معلی از امام صادق(ع) آورده و بر عظمت و ارزش نوروز دلالت دارد و دیگری حدیث امام کاظم(ع) است که آن را از سنت های پارسیان دانسته که اسلام، آن را از میان برداشته است.

باید دانست که هیچ یک از آنها صحیح نیست و از اعتبار برخوردار نمی باشد تا بتوان بر پایه آن، حکم شرعی را اثبات کرد. گذشته از آن که روایت معلی، ایرادهای دیگری دارد، از جهت تطبیق نوروز بر مناسبت های ماه های عربی. ۴۰.

آن گاه می نویسد:

ظاهر روایت منصور، حرمت بزرگداشت نوروز است؛ چرا که این کار، بزرگداشت شعائر کفار و زنده داشتن سنت هایی است که اسلام، آنها را میرانده است. این روایت - گرچه واجد شرایط حجیت نیست - اما مطلب کلی ای که در آن آمده (یعنی حرمت بزرگداشت شعائر کفار)، با ادله عامه به اثبات رسیده اس و این که نوروز از آن آداب و رسوم است، به وجدان اثبات می شود.

و اما فتوای فقیهان، مبنی بر استحباب غسل و روزه در نوروز، مبتنی بر قاعده تسامح در ادله سنن است؛ ولی این جا محل اجرای آن قاعده نیست؛ زیرا قاعده تسامح در ادله سنن، از مواردی که احتمال حرمت تشریعی دارند، انصراف دارد. ۴۱.

جناب آقای سید جواد مدرسسی در مقاله ای در مجله «نور علم» می نویسد:

با وجود تضارب روایات و عدم توجه قدما و کدورت متن و عدم صحت سند، فتوای به مشروعیت نوروز، و تعیین روز آن، مشکل است. راهی که

۴۰. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۰۰ (پاورقی).

۴۱. همان جا.





باقی می ماند، تمسک به ادله «تسامح در ادله سنن» است؛ و لکن تعیین روز، گفتار بعض فقهاست نه مضمون روایت؛ و ادله مذکور، شامل کلام فقها نمی شود.

از جهت دیگر، عید نوروز از شعائر مجوسی و محتمل الحرمه است و ادله تسامح در سنن - چنان که بعضی گفته اند - از چنین موردی منصرف است.<sup>۴۲</sup>

آقای رسول جعفریان نیز در این باره گفته است:

این بود آنچه در منابع شیعه قرن ششم درباره نوروز نقل شده است. در این باره، مهم، همان روایت معلی بن خنیس است و جز آن، چیزی درباره تأیید نوروز به چشم نمی خورد. منشا آنچه در آثار بعدی درباره استحباب غسل روز نوروز و نماز و دعای مربوطه آمده، همین نص است و بس. البته مطالب دیگری نیز افزوده شده که منشا آنها را اشاره خواهیم کرد.<sup>۴۳</sup>

و در جای دیگر گفته است:

و مشکل این دو حدیث (منظور، دو حدیثی است که ابن فهد حلی در تأیید نوروز از معلی نقل کرده است)، آن است که در منابع کهن شیعه نیامده است. افزون بر آن، روایات مزبور که در اصل باید یکی باشد، حاوی دو نوع آگاهی درباره روز نوروز است که این، خود، منشا شبهه درباره آن شده و احتمال جعل آن را تقویت می کند. افزون بر آن، دانسته است که، ابن غضایری گفته: «غالیان روایاتی را به معلی بن خنیس نسبت داده اند و نمی توان بر اخبار وی اعتماد کرد». در این صورت، این روایت - که بی گرایش غالیانه یا نگرش افراطی همه نیست - از همان دسته معمولاتی می باشد که غالیان به معلی نسبت داده اند. باید این دو نکته را نیز یادآوری کرد که گفته شده قرامطه (گرایشی وابسته به مذهب افراطی اسماعیلیه) دو

۴۲. نور علم، ش ۲۰، ص ۱۱۵.

۴۳. نامه مفید، ش ۹، ص ۲۰۶.





روز را در سال - که نوروز و مهرگان بوده - روزه می گرفته اند. بلافاصله باید تاکید کنیم که مجوسیان، نه تنها نوروز را روزه نمی گرفته اند، بلکه به نقل بیرونی اساساً «مجوس را روزه ای نیست و هر کس از ایشان روزه بگیرد، گنه کرده است». ۴۴

### ب. موافقان

آداب نوروز از قبیل روزه، نماز، ادعیه و ...، در کتب حدیثی و فقهی، از زمان شیخ طوسی در میان عالمان شیعه رواج داشته است.

شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در «مصباح المتجهد»<sup>۴۵</sup>، پس از او ابن ادریس (م ۵۹۸ق) در «السرائر»<sup>۴۶</sup> و سپس یحیی بن سعید (م ۵۸۹ق) در «الجامع للشرائع»<sup>۴۷</sup> و پس از وی، شهید اول (م ۷۸۶ق) در «القواعد و الفوائد»<sup>۴۸</sup> و نیز «الدروس»<sup>۴۹</sup> و «البیان»<sup>۵۰</sup> و «الذکری»<sup>۵۱</sup> و «اللمعة»<sup>۵۲</sup> بدان اشاره دارد.

ابن فهد (م ۸۴۱ق) در «المهذب البارع»<sup>۵۳</sup> و محقق کرکی (م ۹۴۰ق) در «جامع المقاصد»<sup>۵۴</sup> و شهید ثانی (م ۹۶۶ق) در «المسالک»<sup>۵۵</sup> و «شرح اللمعة»<sup>۵۶</sup> و محقق

۴۴. همان، ص ۲۱۰.

۴۵. مصباح المتجهد، ص ۵۹۱. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴۶. السرائر، ج ۱، ص ۳۱۵.

۴۷. الجامع للشرائع، ص ۳۳. رتال جامع علوم انسانی

۴۸. القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۳.

۴۹. الدروس، ص ۲.

۵۰. البیان، ص ۴.

۵۱. الذکری، ص ۲۳.

۵۲. اللمعة، ص ۳۴.

۵۳. المهذب البارع، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۵.

۵۴. جامع المقاصد، ج ۱، ص ۷۵.

۵۵. شرح اللمعة، ج ۱، ص ۳۱۶.

۵۶. مسالک الافهام، ج ۱، ص ۱۷۱.





اردبیلی (م ۹۹۳ق) در «مجمع الفائدة و البرهان»<sup>۵۷</sup> و شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ق) در «جامع عباسی»<sup>۵۸</sup> و «الحبل المتین»<sup>۵۹</sup> و فاضل هندی (م ۱۱۳۷ق) در «کشف اللثام»<sup>۶۰</sup> و شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ق) در «الحدائق الناضرة»<sup>۶۱</sup> و کاشف الغطاء (م ۱۲۲۸ق) در «کشف الغطاء»<sup>۶۲</sup> و نراقی (م ۱۲۴۵ق) در «مستند الشیعة»<sup>۶۳</sup> و صاحب جواهر در (م ۱۲۶۶ق) «جواهر الکلام»<sup>۶۴</sup> و شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ق) در «کتاب الطهارة»<sup>۶۵</sup> و ... بدین آداب فتوا داده اند.

همچنین در کتب فتوایی و فقهی معاصر، چون: العروة الوثقی،<sup>۶۶</sup> جامع المدارک،<sup>۶۷</sup> المستند<sup>۶۸</sup> و ... فتوا بدین آداب به چشم می خورد.

در کتب روایی نیز - چنان که در بخش نخست آوردیم - آداب نوروز، در: مصباح المتهدج، وسائل الشیعة و بحار الأنوار، یاد شده است؛ چنان که روایت هایی نیز که به گونه ای ضمنی نوروز را تأیید می کنند در: الکافی، کتاب من لایحضره الفقیه و دعائم الاسلام منقول است.

شاید همین کثرت فتواها و نقل ها سبب شده است که صاحب «جواهر» بگوید:

غسل روز نوروز، نزد متأخران مشهور است؛ بلکه مخالفی در آن ندیدیم.<sup>۶۹</sup>

۵۷. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۲، ص ۷۳.

۵۸. جامع عباسی، ص ۱۱ و ۷۸.

۵۹. الحبل المتین، ص ۸۰.

۶۰. کشف اللثام، ج ۱، ص ۱۱.

۶۱. الحدائق الناضرة، ج ۴، ص ۲۱۲.

۶۲. کشف الغطاء، ص ۳۲۴.

۶۳. مستند الشیعة، ج ۱، ص ۲۰۸.

۶۴. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۰.

۶۵. کتاب الطهارة، ص ۳۲۸.

۶۶. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۶۱ و ج ۲، ص ۲۴۲.

۶۷. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۰.

۶۸. جامع المدارک، ج ۳، ص ۱۸۲.

۶۹. المستند، ج ۱۷، ص ۲۹۹.







بجز این، تلاش محدثان و فقیهان در پاسخگویی به دیدگاه مخالفان نیز درخور درنگ است. علامه مجلسی در «بحار الانوار»، بیشترین کوشش را در این باره به انجام رسانده و شبهه‌های مخالفان را پاسخ گفته است؛ وی در قسمتی از نوشتار مفصلش در نقد روایت ابن شهر آشوب (در مذمت نوروز)، می‌نویسد:

این حدیث، با روایت‌هایی که معلی بن خنیس آورده مغایرت دارد و بر جایگاه نداشتن نوروز در شریعت دلالت دارد؛ لیک روایت‌های معلی از نظر سند، قوی‌تر و نزد اصحاب، مشهورترند.

از سوی دیگر می‌توان گفت که این، حدیث تقیه است؛ چرا که در روایات «مناقب»، مطالبی ذکر شده که زمینه تقیه دارد.<sup>۷۰</sup>

پس از وی نیز عالمان دیگری به پاسخگویی اجمالی یا تفصیلی گام برداشته‌اند. شیخ انصاری در نقد روایت «مناقب» می‌گوید:

روایت «مناقب» نمی‌تواند با احادیث معلی معارضه کند؛ زیرا روایت معلی نزد اصحاب، از شهرت بیشتری برخوردار است و احتمال تقیه در روایت «مناقب» وجود دارد.<sup>۷۱</sup>

همچنین صاحب «جواهر» در دفاع از روایت‌های معلی و نقد حدیث «مناقب» می‌نویسد: روایت معلی جای مناقشه در سند و دلالت ندارد؛ چنان که حدیث «مناقب» نمی‌تواند با آن معارضه کند؛ چرا که با سستی‌ای که در آن مشهود است، احتمال تقیه نیز در آن می‌رود.<sup>۷۲</sup>

گفتنی است حمل روایت «مناقب» بر تقیه بعید نیست؛ چرا که اهل سنت، روزه نوروز را مکروه می‌دانند.<sup>۷۳</sup> و بدین جهت، در تعارض روایت‌های معلی و «مناقب»،

۷۰. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۰۰.

۷۱. کتاب الطهارة، ص ۳۲۸.

۷۲. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۰.

۷۳. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۷۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۹۹.





جانب روایات معلی رجحان می یابد.

بجز اینها، رساله‌ها و کتبی نیز در تأیید فضیلت نوروز و روایات معلی تدوین شده، که برخی به چاپ رسیده و برخی دیگر، خطی باقی مانده‌اند. ۷۴

### سه. ارزیابی نهایی

چنان‌که پیش از این یاد شد، این نوشتار، نوروز را از منظر حدیث و روایت می‌کاود و از تاریخ و تقویم‌نگاری و فقه، تنها آن را برمی‌رسد که به گونه‌ای با حدیث و روایت مرتبط شود و در نقد یا تأیید آن، سودمند افتد.

اینک نکته‌هایی در باب این روایات آورده می‌شود تا پس از آن به جمع‌بندی نهایی نزدیک شویم.

یکم. در نقد نوروز، چهار حدیث آوردیم. این احادیث، به هیچ‌رو قابل تصحیح و اعتبار نیستند؛ زیرا:

۱- روایت اول و چهارم، مضمونی واحد دارند که اوّلی در مصادر شیعه و دومی در مصادر اهل سنت یاد شده است. روایت شیعی را به قطب راوندی (از عالمان قرن ششم) نسبت داده‌اند که در کتاب «مستدرک الوسائل» حاجی نوری (م ۱۳۲۰ ق) روایت شده است. این روایت، گذشته از آن‌که در مصادر کهن موجود نیست، مضمون آن را هم نمی‌توان تأیید کرد؛ زیرا چگونه دو عید باستانی ایرانی در جزیره العرب در سال‌های نخستین اسلام، رایج و مرسوم بود که پیامبر (ص) آنها را با فطر و اضحی منسوخ بدارد؟! بی‌تردید، نوروز و مهرگان، از آیین‌هایی باستانی ایرانیان‌اند که آوازه‌شان، پس از ارتباط اعراب با ایرانیان، بدان سرزمین رفته است و پیش از آن، آن‌چنان مقبول مردمان نبوده‌اند که پیامبر (ص) آنها را با اعیاد اسلامی نسخ کند.

۷۴. چاپ شده‌ها مانند: رساله نوروزیه، سید هاشم نجفی یزدی، ۱۳۷۱ قمری. برای نسخه‌های خطی بنگرید به: الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۷۹-۳۸۴؛ نامه مفید، ش ۹، ص ۲۱۳-۲۱۵، مقاله «نوروز در فرهنگ شیعه».





حدیث دیگر، آن است که آکوسی آورده است و تعبیرهای «نوروز» و «مهرگان» در متن آن نیست و ظاهراً او بیان، این دو را از روی احتمال (نه قطع و یقین)، به روایت افزوده‌اند. بدین رو آکوسی پس از نقل حدیث می‌گوید: «قیل: هما النیروز والمهرجان». گفتنی است که برخی نویسندگان، این اضافه را به آکوسی نسبت داده‌اند که جزو حدیث آورده است:

آکوسی در «بلوغ الارب» (ج ۱، ص ۳۶۴، قاهره، ۱۹۲۵م) نقل می‌کند که انصار، عید نوروز و مهرگان را بر حضرت رسول (ص) عرضه کردند. حضرت فرمودند: خداوند متعال، بهتر از آن را (فطر و اضحی) را به من داده است. ۷۵

چنان‌که پیش از این آوردیم، روایت آکوسی چنین است:

قدم النبی (ص) المدینة و لهم یومان یلعبون فیهما. فقال: «ما هذا الیومان؟». فقالوا: کنا نلعب فیهما فی الجاهلیة. فقال: «قد أبدله الله تعالی بهما خیراً منهما: یوم الاضحی و یوم الفطر». قیل: هما النیروز و المهرجان.

۲- روایت «مناقب»، گذشته از آن که مرسل است و با تعبیر «حُکمی» (آورده‌اند) نقل شده است، نه حاکی آن معلوم است و نه مصدر نقل ابن شهر آشوب.

۳- روایت بخاری که علی (ع) هدیه نوروز را نمی‌پذیرفت، گذشته از آن‌که با روایت دیگر بخاری - که علی (ع) هدیه نوروز را می‌پذیرفت - معارضه دارد، با نقل‌های بسیار دیگر شیعی نیز ناسازگار است و نمی‌توان به آن، استناد جست.

دوم. در ارزیابی سندی روایت‌های موافق، می‌توان چنین گفت:

۱- روایت کلینی از سند معتبر برخوردار است.

۲- روایت شیخ طوسی از معلی، اگر چه بدون سند است، لیکن وی در کتاب «فهرست» به کتاب معلی سند معتبر دارد. ۷۶ محتمل است آن روایت، براساس همین سند باشد.

۷۵. نور علم، ش ۸، ص ۱۰۸.

۷۶. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۹۳.





۳- علامه مجلسی در «زاد المعاد» می‌گوید: «به اسانید معتبره از معلی بن خنیس که از خواص حضرت صادق (ع) بوده است، منقول است...»<sup>۷۷</sup> و سپس روایتی را نقل می‌کند که ذیل آن، مطابق روایتی است که شیخ در «مصباح» آورده است.

۴- نقل این روایت‌ها در مصادر کهنی چون: الکافی، کتاب من لا یحضره الفقیه، مصباح‌المتجهّد و دعائم الاسلام، می‌تواند شاهی بر اعتبار آنها باشد.

بر این پایه می‌توان گفت از مجموع احادیث دوازده‌گانه می‌توان این مطلب را به پیشوایان دینی نسبت داد که رفتار ایرانیان در گرامیداشت نوروز، در مرآی و منظر آنان بوده و نه تنها مخالفتی با آن نکرده‌اند، بلکه نسبت به اصل آن و پاره‌ای رفتارهای ضمنی آن، روی خوش نشان داده و تشویق کرده‌اند.

بلی؛ ما معتقدیم که بر پایه این احادیث و بدون شواهد تاریخی دیگر، نمی‌توان خصوصیت‌های موجود در آنها را به اثبات رساند و اشارات تاریخی موجود در آنها را تأیید کرد. چنان‌که به جهت برخی نکات تاریخی نامعلوم در آنها نمی‌توان این کلیت را تضعیف کرد و نادیده انگاشت.

سوم. بررسی مصادر کهن، نشان می‌دهد که نوروز به عنوان یک آیین ایرانی، در فرهنگ مسلمانان و شیعیان رواج داشته است.

اینک شواهد این امر را بجز روایات یاد شده، بازگو می‌کنیم:

۱- به اعتقاد برخی متخصصان تبدیل گاه شمار، در جلسه مشورتی خلیفه دوم برای تعیین تقویم، هر زمان تازه مسلمانان شرکت داشت و تقویم ایرانی را برای حاضران شرح کرد و خلیفه، آن تقویم را برای امور دیوانی و خراج پذیرفت<sup>۷۸</sup> و روشن است که نوروز، جزئی از تقویم ایرانی به شمار می‌رود.

۲- نجاشی در شرح حال ابوالحسن نصر بن عامر بن وهب سنجاری نوشته است که وی از ثقات شیعیان است و کتاب‌هایی دارد، از جمله: «کتاب ما روی فی

۷۷. زاد المعاد، ص ۴۸۲.

۷۸. گاهشماری هجری قمری و میلادی، دکتر رضا عبداللهی، ص ۲۵-۲۶.





یوم النیروز. ۷۹

همچنین ابن ندیم دربارهٔ صاحب بن عبّاد، آورده است که «کتاب الاعیاد و فضائل

النیروز» نگاشته است. ۸۰

در دورهٔ صفویه نیز نوروزیه هایی بسیار به قلم علمای دین تحریر شد. ۸۱

۳- خراج در دورهٔ عباسیان بر اساس نوروز تنظیم می شده است. ۸۲

۴- خلفای اموی و عباسی هدایای نوروز را می پذیرفته اند؛ بلکه دستور می داده اند

تا برایشان ارسال گردد. ۸۳

گفتنی است در برخی مناطق، حاکمان اهل سنت، گرفتن هدایای نوروز را منع

می کردند؛ چنان که از برگزاری مراسم نوروز، ممانعت به عمل می آوردند. ۸۴

۵- از دیرباز تاکنون، نوروز در سروده های شاعران تازی گو و پارسی زبان حضور

جدی دارد و این نیز شاهدی گویا بر حضور نوروز در فرهنگ ایرانیان مسلمان است. ۸۵

با توجه به این شواهد و امور دیگر، نوروز را در دورهٔ اسلامی از شعائر مجوسی

دانستن، سخنی ناصواب است؛ چنان که آن را ترویج آیین آتش پرستان انگاشتن،

واقعیت خارجی ندارد. گذشته از اینها در روایات اسلامی و سخن فقیهان، فضیلت

روزهٔ نوروز مطرح است و به نقل بیرونی: «مجوس را روزه ای نیست و هر کس از ایشان

روزه بگیرد، گناه کرده است». ۸۶

۷۹. رجال النجاشی، ص ۴۲۸. *تراجم علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۸۰. الفهرست، ابن ندیم، ص ۱۹۰.

۸۱. بنگرید: الذریعة، ج ۲۴، ص ۳۷۹-۳۸۴؛ نامه مفید، ش ۹، ص ۲۱۳-۲۱۵، مقاله «نوروز در فرهنگ شیعه».

۸۲. تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۲۱۸ و ج ۱۰، ص ۳۹ و ج ۱۱، ص ۲۰۳.

۸۳. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۶ و ۳۱۳؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ص ۵۵۰.

۸۴. نامه مفید، ش ۹، ص ۲۰۷-۲۰۸.

۸۵. نوروزگان، ص ۱۶۷-۱۹۷؛ نامه مفید، ش ۹، ص ۲۰۶-۲۰۷؛ نور علم، ش ۲۰، ص ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷.

۸۶. الآثار الباقیة، ص ۲۳۰، آثار الباقیة، ص ۳۵۷.





گیریم روزگاری نیز نوروز چنان بود؛ ولی زمانی که در عرف ایرانیان مسلمان، آن حالت از میان رفت، دیگر دَمی بر آن نیست. همان گونه که امام خمینی فتوا داد که شطرنج، اگر روزی ابزار قمار نباشد، حرمتی در بازی با آن نیست<sup>۸۷</sup> و استاد مطهری، مجسمه سازی را مجاز دانست؛ چرا که فلسفه حرمت آن، به جهت فاصله گرفتن از دوران بت پرستی، از میان رفته است<sup>۸۸</sup> و نمونه های بسیار دیگر.

اصولیان را قاعده ای است که در این جا به کار آید. آنان گویند اگر در میان مردمان، آداب و رسومی رواج داشت و در جان و دل آنان رسوخ یافته بود، چنانچه شرع با آن روی خوشی ندارد و می خواهد آن را طرد سازد، باید ادله ای روشن و قوی که همپای سیره باشد، ارائه دهد وگرنه نمی توان گفت شارع از آن سیره بیزار است و آن را طرد کرده است. به تعبیر دیگر، سیره های راسخ و استوار را نمی توان با عمومات یا ادله سست بنیان طرد کرد؛ بلکه دلیل مانع و رادع باید به اندازه قوت سیره، قوت داشته باشد.

بر این اساس و با توجه به آنچه در ریشه داری نوروز و گذشته اش در میان ایرانیان گفته شد، دلیلی بر منع و ردع آن از سوی شرع در دست نیست؛ چرا که ادله خاص - چنان که یاد شد - موهون است - که وجهش گذشت - و عمومات را نیز در چنین مواردی یارای رویارویی نخواهد بود.

چهارم. اگر بپذیریم که روایت های موافق قابل اعتماد نیستند و نمی توان بر پایه آنها رأی و حکمی را اثبات کرد، همچنان که نمی توان بر دسته دوم از احادیث تکیه زد، در این فرض باید حکم نوروز را با اصل اولی و قاعده عام دینی نشان داد.

همان گونه که در ابتدای مقاله گذشت، اسلام که دینی جهانی است و همه انسان ها را به سوی خود فراخوانده است، به اقتضای خصلت جهان شمولی اش، هیچ گاه به معارضه سنت ها و آداب و رسوم ملی نرفته، مگر آن جا که ترویج باطل باشد یا به تشبیت

۸۷. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۵.

۸۸. تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۶.



خرافه ای انجامد و یا ملازم با محرّمات شرعی گردد.

آیین نوروز، قرن هاست در ایران اسلامی برپاداشته می شود و مسلمانان، نه به عنوان ترویج آیین مجوس، بلکه به عنوان آیینی ملی بدان می نگرند. بمآند که رسم نوروز، پیش از آیین زردتشت نیز در ایران برپا بوده است.<sup>۸۹</sup>

از سوی دیگر، نوروز، تثبیت خرافه ای باطل که با دین ناسازگار باشد، نیست و در سرشت خود، محرّمات شرعی را به همراه ندارد؛ ولی اگر کسی یا کسانی آن را به محرّمات بیالایند، این بدان ماند که سایر کردارهای مباح و حتی امور شرعی را با محرّمات شرعی همراه کنند، که طبعاً معنایش ناپسند شدن آن امر مباح یا شرعی نیست؛ بلکه آنان که چنین می کنند، قابل سرزنش و مذمت اند.

از سوی دیگر، بسیاری از رفتارهای پسندیده، چون: پاکیزگی و آراستگی، سیر و سفر، دید و بازدید، بخشش و دلجویی، هدیه دادن و ... در این رسم و آیین به انجام می رسد که از نگاه شرع و عقل، ستودنی است.



با این وصف، ایستادگی در برابر این آیین ملی، از زاویه شرع و دین، مستندی محکم ندارد و نشاید بدان دامن زد.

پنجم. آنچه تأیید شده یا مورد ردع قرار نگرفته، چیزی است که در عرف عمومی ایرانیان، نوروز نامیده می شود. اگر در طول زمان، تغییری در آن صورت گرفته است که همین عرف عمومی آنها را برمی تابد، خللی در این امضا یا عدم ردع شرع وارد نمی سازد.

بر این پایه، ایرادی که برخی فقیهان و نویسندگان در این موضوع گرفته اند (که نامعلوم بودن روز نوروز و تغییر آن، به شرعی بودنش لطمه می زند)، پذیرفتنی نیست.

۸۹. آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز، محمود روح الامینی، تهران: آگاه، ص ۳۶-۳۸.



## حاصل آن که:

۱. روایت‌های وارد شده در مخالفت با نوروز، به هیچ روی قابل تأیید و اعتبار نیستند.
۲. در روایت‌های موافق، به جهت شواهد و قرائن یاد شده، می‌توان گفت که اصل آیین نوروز، مورد امضا و تأیید است؛ گرچه خصوصیت‌های یاد شده در احادیث را نمی‌توان تأیید کرد.
۳. از آن رو که نوروز در میان ایرانیان در دوره اسلامی رایج بود و به عنوان سیره‌ای عمومی استمرار داشت، نمی‌توان طرد و ردع آن را از سوی شارع با قواعد کلی یا ادله سست پذیرفت؛ بلکه ردع چنین سیره‌هایی نیازمند ادله خاص و قوی است.
۴. اگر بپذیریم که ادله موافق و مخالف، هیچ کدام قابل اعتماد و تأیید نیست، اقتضای قواعد عمومی دینی، عدم مخالفت با نوروز است.<sup>۹۰</sup>



۹۰. جهت آگاهی بیشتر، بنگرید به: بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۹۱-۱۴۳؛ زادالمعاد، ص ۸۴۲-۴۸۵؛ المهذب البارع، ج ۱؛ بلوغ الارب، ج ۱، ص ۳۴۸-۳۵۷؛ الخطط المقریبه، ج ۱، ص ۳۶۷-۳۶۹؛ الآثار الباقیه، ص ۲۱-۲۳۳؛ رساله نوروزیه، سید هاشم نجفی یزدی (یزد: پاینده)؛ نوروز در تاریخ و دین، سید عبدالرضا شهرستانی (نجف: مطبعة الآداب)؛ النوروز ه اثره فی الادب العربی، فؤاد عبدالمعطی الصیاد (جامعة بیروت، ۱۹۷۲م)؛ نوروز، تاریخچه و مرجع شناسی، پرویز اذکایی (وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳)؛ النوروز فی مصادر الفقه والحديث، مرکز المعجم الفقهي (قم)؛ نوروزگان، مرتضی هنری (سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۷)؛ «نوروز در فرهنگ شیعه»، رسول جعفریان (نامه مفید، ش ۹، ص ۲۰۱-۲۲۰)؛ «نوروز در تاریخ و اسلام»، سید جواد مدرسی (نور علم، ش ۲۰، ص ۱۰۳-۱۱۵)؛ «عید نوروز و صبغه‌های اسلامی آن»، ابراهیم شکورزاده (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال ۱۵، ش ۱ و ۲، ص ۲۴۲-۲۵۸)؛ «نوروز ایرانی در تقویم اسلامی»، ابوالفضل نبی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال ۱۵، ش ۴، ص ۷۰۳-۷۳۸).